

متن نامه شهید علم الهدی در سال ۱۳۵۶ خطاب به خواهرش

خواهر عزیز، صدیقه

پس از اهداء سلام و درود، رسیدن به فلاح را برایتان آرزو می‌کنم.

چون در آغاز قدم گذاشتن در سال جدید از شما دور بودم و نتوانستم خود را به این راضی کنم که سال نو را آغاز کنیم و در این لحظات حساس از عمر با شما سخن نگویم ناچار برای اولین بار قلم بدست گرفتم و با شما حرف می‌زنم.

ساعتی پیش داشتم مطالعه می‌کردم به یک جمله رسیدم. در مورد این جمله زیبا فکر کردم و مناسب دیدم که نتیجه این ساعات فکر را که در آستانه شروع سال جدید بود برایتان بنویسم.

شاندل Shandel متفکر بزرگ اروپای قرن بیستم در مورد چگونگی زندگی انسان در قرن بیستم می‌گوید:

«انسان این عصر زندگی را وقف تهیه وسایل زندگی می‌کند»

ما زندگی را در رنج می‌گذرانیم تا راحتی و آرامش ایجاد کنیم، تمامی عمر می‌رویم به این امید که لحظاتی بنشینیم، تمام عمر زحمت می‌کشیم تا استراحت کنیم و البته عمر می‌گذرد و راحتی و آسایش و نشستن و آرامش را لمس نمی‌کنیم و نمی‌یابیم. زیرا مرتباً از طریق اجتماع به ما نیازهای جدید تلقین می‌شود.

نیازهای کاذب و مصنوعی که دائماً در آدم بوجود می‌آورند بوسیله تبلیغات است تلویزیون را روشن می‌کنید و بعد از دو ساعت خاموش می‌کنید به خودتان نگاه می‌کنید، می‌بینید هفت هشت احتیاج خرید تازه بوجود آمده که قبلاً لازم نداشتید، قبلاً مثلاً با خاکستر دیگ را می‌شستید امروز حتماً باید پودر... بخرید.

بوردا می‌خرید زن روز می‌خرید نگاه می‌کنید در فکر تهیه لباسها و مدل‌های آن می‌افتید استعمار فرهنگی و فرهنگ زدایی از طریق تقلید تشبه رقابت مصرف‌های مصنوعی و سمبلیک و جلب توجه است و اینجاست که به سخن عمیق محمد(ص) که من یتشبه یقوم فهو منه که از کلمه

شبيه استفاده شده (پی می بریم) اگر زندگیمان مثل اروپایی ها شد اگر وضع لباسهامان مثل مدلهای ارائه داده شده زن روز و بوردا و خانم... شد خود نیز از نظر خصوصیات انسانی و درک و انتخاب راه به سوی او شدن میل کرده ایم.

یکنواختی و قالبی شدن انسانها در جوامع گوناگون و مخصوصاً در ملت ما که مرتباً بوسیله برنامه های فرهنگی مان در سطح وسیعی از طرف مسئولان امر پیاده می شود همه در قالبهای ماشینیسم بخاطر بالابردن مصرف جهانی مخصوصاً جهان سوم که دنیای صنعتی به ما تحمیل می کند. غارت اصالتها، منابع معنوی و از بین رفتن خصوصیات زندگی شرقی و یا اسلامی که عبارت از مصرف هرچه کمتر و تولید هرچه بیشتر بوسیله عوامل آموزشی دگرگون می شود. چرا که اروپای صنعتی می بایست برای تولیدات اضافی خود مصرف کننده پیدا کند و چه کند که بتواند کالای مصرفی بدهد و مواد تولیدی بگیرد و منت بگذارد و خود را هم بالاتر و متمدن قلمداد کند و اگر هم سواری خواست خر خوبی تربیت کرده باشد و...

ابتدا با استعمار فرهنگی کار خود را آغاز می کند و سپس از یک خصیصه پاک و اصیل خدایی که برسم امانت به انسان داده شده استفاده می کند و آن تنوع که شکل تکامل است.

ما می بینیم (همراه با درد) که تمام فلسفه ها و مذهب ها و ایده آلهای و عشق ها و خواسته ها و... خلاصه شده در این : اصالت مال زندگی مادی است بنابراین وقتی زندگی مادی اصالت دارد هدف رفاه است پس برای چه باید کار کرد؟ برای ساختن وسایل آسایش زندگی داستان شازده کوچولو را خوانده اید؟

آیا قربانی شدن آسایش زندگی برای چه؟ برای تکامل؟ برای تعالی؟ برای رفتن به حقیقت؟ برای رسیدن به ایده آلهای مقدس انسانی؟ برای تقرب و نزدیکی به بهترین دوست و یار، او (الله)؟ نه برای بدست آوردن وسایل آسایش زندگی. زیستن برای مصرف، مصرف برای زیستن یک دور، باطل دور حماقت کار. استراحت. خوردن. خوابیدن همین و بس!!! بهتر است کمی فکر کنیم ملاک ما برای شناختن افراد چیست، مثال می زنم، آیا وقتی مثلاً به خواستگاری می روید چه می پرسید، می پرسید که آیا شما آدم باهوشی هستید؟ با شهامت هستید؟ چه مقدار وقار و اصالت دارید؟

چه مقدار قرآن را درک کرده‌اید؟ چه مقدار در تاریخ و اعتقاد و جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی و تفسیر و فهم سخنان ائمه مطالعه دارید؟ معلوماتتان چقدر است و... هرگز!

درست همانگونه می‌اندیشیم و همانگونه انتخاب می‌کنیم که فرهنگ مادی بورژوازی غرب به ما تحمیل کرده و معیار ارزش‌ها مان بسته‌بندی شده از غرب می‌آید، اما خود نمی‌دانیم و نمی‌فهمیم و خیال می‌کنیم که اندیشه و فکرمان اسلامی است در صورتیکه اندیشه‌ای که قرآن به ما می‌خواهد بدهد درست عکس آن است و با آن در تضاد کامل است.

و اصلاً اندیشه تربیتی قرآن برای از بین بردن چنین ارزش‌ها و معیارها و طرز تفکرها و برداشتها و چنین شناختی است نسبت به زندگی حیات وسایل مادی نیازها خواستها ایده‌آلها و...

و ما تمام تلاشمان و ناراحتی‌ها مان و رنج‌ها و حتی نوع احساس‌ها مان در اینست که بهتر زندگی کنیم بجای اندیشیدن به اینکه چگونه باید زندگی کنیم و چرا؟ زندگی یعنی چه؟ تلاش برای چه؟ اصلاً چرا زندگی می‌کنیم؟ و به اینها توجه نداریم، چرا که نتوانستیم خود را از لجن فرهنگ بورژوازی نجات دهیم، از لجن مصرف بدون تولید، از لجن زندگی خلاصه شده در مادیات، و تمام نیروهای خلاق و نبوغ‌های سرشار را در وسیله خلاصه کردن، درست مثل کسی که پله گذاشته تا خود را به پشت بام برساند اما همینکه پا روی پلکان اول گذاشت آنقدر راجع به خود پله فکر کند سوراخ سمبه‌های آن، رنگ آن و... که لحظه‌ای خواهد رسید و گریبان مرگ او را فرا گرفت و هنوز در فکر اینست که پله چوبی را تبدیل به فلزی یا فلزی را تبدیل به کائوچو یا طلا و یا... کند و در نتیجه عمر تمام می‌شود و خود را به پشت بام نرسانده.

خواهش می‌کنم این جمله را با دقت بخوان و فکر کن تا عظمت آن را درک کنی الناس نیام اذا ماتوا انتبهوا (مردم خوابند وقتی که مردند متنبه می‌شوند، بیدار می‌شوند) که حدس می‌زنم این جمله زیبا از فاطمه بزرگ آن الگوی نمونه شاهد اسوه در همه زمانها برای همه نسلها و همه دختران و مادران تاریخ آن چهره زنده که جز از وقایع مرگ او از تاریخ زندگی چیزی نمی‌دانیم و او که باید در لحظه‌های زندگی در تصمیم‌ها در انتخاب در جلو چشمانمان باشد تا بیاموزیم که چگونه زندگی کنیم و چگونه بمیریم.

نتایجی که من از این جمله گرفته‌ایم به شما ارائه می‌دهم چه بسا که شما فکر کنید به نتایج عمیق تری دست یابید.

مردم خوابند

۱. خواب معمولاً در شب است و از خصوصیات شب تاریکی و سیاهی و ظلمات است.

۲. کسی که خواب است از وقایعی که در اطرافش اتفاق می‌افتد بی‌خبر است.

۳. کسی که خواب است از خود نیز بی‌خبر است.

۴. اگر دشمنی داشته باشد به سادگی می‌تواند او را از بین ببرد یا در دام بیندازد.

۵. هنگامی که خورشید که مظهر نور است و روشنایی، طلوع کرد انسان از خواب بیدار می‌شود.

۶. کلمه ناس بکار رفته به معنای توده مردم.

۷. چه کسی متنبه می‌شود، بیزار می‌شود، پشیمان می‌شود، بعد از آنکه بیدار شد؟ کسی که

می‌فهمد استعدادها و نیروهای بسیار در وجود داشته سرمایه‌های عظیمی خدا به او عطا کرده و آنها را راکد در عالم خواب و ناآگاهی قرار داده همانند آب راکدی که می‌گندد و بوی بد می‌دهد.

و در ثانی کار از کار گذشته و مرگ فرا رسیده و راه بازگشتی نیست.

هدف او (الله) از آفرینش انسان تکامل بسوی اوست و سرمایه‌های مادی را در اختیار انسان گذارده

تا در خدمت آن هدف بکار بریم، اما... چگونه بدست خود استعدادها و نبوغ‌هایمان را دفن

می‌کنیم و در گورستان فراموشی رها می‌کنیم و به قول قرآن زندگی‌مان کافرانه می‌شود.

زین للذین کفروا الحیوه الدنیا و یسخرن من الذین آمنوا والذین اتقوا فوقهم یوم القیامه.

کسانیکه کفر ورزیدند و حیات دنیا برای آنان زینت داده شده، ایمان آورندگان را مسخره می‌کنند.

ولی کسانیکه تقوی پیشه کردند روز قیامت و حیات اخروی برایشان بسیار برتر و مهمتر است.

در آیه ۱۴ سوره آل عمران مراجعه کنید و دریابید که در این آیه نقش زن در تعیین جهت فکری

و مسیر زندگی مرد و اجتماع چگونه مطرح شد.

الدنیا مزرعه الاخره

یونس هرچه که نداشتیم از خدا می‌خواهیم و هنگامیکه خدا آن را به ما داد او را فراموش

می‌کنیم پس جزو مسرفین هستیم.

زیرا آنچه را از نعمتها که خدا به ما داده تا در راه رسیدن به او بکار بریم و اگر بکار نگیریم مسرفیم. کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون. ان الله لایحب القوم المسرفین.

اعراف این آیه بسیار عمیق و زیبا و رسا است.

خطاب به بنی اسرائیل (همان قومی که پیامبر ما را به آنها تشبیه می‌کند) متاع و زینت دنیا را حرام نکردیم بر مردم بلکه اینها وسیله‌ایست برای مردم با ایمان و اینها فقط در دنیاست و البته و البته در آخرت بهتر از اینها را به مردم با ایمان خواهیم داد.

به سوره کهف آیه ۷- سوره اعراف آیه ۳۱- سوره حدید ۲۰- سوره کهف ۲۸ سوره قصص ۷۸ و ۷۹. سوره احزاب ۲۸. سوره توبه ۳۸. سوره نساء ۷۷. سوره آل عمران ۱۸۵. سوره نحل ۱۱۷. سوره یونس ۲۳ و ۷۰ سوره رعد ۲۷ قصص ۶۰ و ۶۱. سوره غافر ۳۹. سوره شوری ۳۶. سوره زخرف ۳۵. مراجعه کنید با دقت به سخن خدا گوش کنید تا چگونگی زندگی و راه و هدف و نوع نیازها و خواسته‌هایمان را از فرهنگ و ایدئولوژی قرآن بگیریم و به جهانیان ثابت کنیم که قرآن برای همه زمانهاست و عمل کردن آن برای همه نسلها

منتظر پاسخ شما به سخن من

برادرتان از مشهد- حسین